افق حوزه
• سال بیست و پنجم
• شماره ۹۰۲
• دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

**در محضر نور**

**امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام**

**إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ خَشِنٌ مُخْشَوْشِنٌ سِرٌّ مُسْتَسِرٌّ مُقَنَّعٌ لاَ يَحْتَمِلُهُ إِلاَّ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اَللَّهُ سُبْحَانَهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ.**

به‌راستی که کار (شناسایی و معرفت) ما کاری بس دشوار و سخت و خشن و پوشیده و نهانی است که پرده بر آن آویخته؛ برنمی‌دارد (و نمی‌پذیرد) آن را مگر فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری مرسل یا مؤمنی که خداوند دلش را با ایمان آزموده باشد.

غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۳۳

**سخن بزرگان**

**آیت‌الله مشکینی رحمه‌الله**

کسی که می‌خواهد متصدی منصب و هدایت عده‌ای را به عهده بگیرد، باید بهره وافی از اصول و فروع، علوم ادبیات، تفسیر و اخبار، سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، سایر پیغمبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام داشته باشد و لازم است که تا حدودی در اخلاقیات، کمالات نفسانی، تصفیه روح و باطن تجربه دیده باشد و جمال انسانیت خویش را از آلایش صفات زشت و ناپسند، پاکیزه و منزه کند. آن‌گاه به اصلاح دیگران بپردازد.

پگاه حوزه / شماره ۴۹

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

# ایستادگی در برابر تهدید دشمن جلوه‌ای از عظمت الهی است

حضرت آیت‌الله سبحانی با تشریح جایگاه دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاد علیه‌السلام در تربیت انسان کامل این دعا را مجموعه‌ای ارزشمند برای پرورش معرفت الهی، اخلاق حسنه و ارتقای مراتب ایمان و یقین دانستند.



به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله سبحانی در نخستین درس اخلاق سال تحصیلی جدید که در مسجد مؤسسه امام صادق علیه‌السلام قم برگزار شد، با تشریح جایگاه دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاد علیه‌السلام در تربیت انسان کامل، این دعا را مجموعه‌ای ارزشمند برای پرورش معرفت الهی، اخلاق حسنه و ارتقای مراتب ایمان و یقین دانستند و با تبیین فرازهای آغازین آن، به جایگاه صلوات بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، مراتب سه‌گانه یقین و ویژگی‌های انسان‌های متقی پرداختند.

**دعای مکارم‌الاخلاق؛ برنامه‌ای برای تربیت انسان عارف**

معظم‌له افزودند: دعای مکارم‌الاخلاق از دعاهای بسیار مؤثر و سازنده‌ای است که در صحیفه سجادیه قرار دارد و دعای بیستم این کتاب به شمار می‌رود. این دعا مطالب فراوانی دارد که اگر ان‌شاءالله موفق شویم آن‌ها را بیان کنیم، می‌توانیم از معارف ارزشمند آن بهره‌مند شویم.

ایشان با اشاره به شرایط اجتماعی دوران امام سجاد علیه‌السلام ادامه دادند: امام علی بن الحسین علیه‌السلام در دوره‌ای زندگی می‌کردند که اهل‌بیت علیهم‌السلام در میان مردم، حتی در نگاه مخالفان، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده بودند؛ زیرا شهادت امام حسین علیه‌السلام تأثیر بسیار منفی بر نگاه مردم به امویان و حکومت‌های آنان گذاشته بود. مردم با خود می‌اندیشیدند که این حکومت‌ها تا چه اندازه از مسیر صحیح انسانی و اخلاقی فاصله گرفته‌اند که خاندان رسالت را به آن شکل به شهادت می‌رسانند، سرهای شهدا را از تن جدا می‌کنند و زنان را به اسارت می‌برند.

این مرجع تقلید افزودند: این حوادث تأثیر نامطلوبی بر نگاه جامعه اسلامی به حکومت اموی گذاشته بود. در واقع، مردم به اهل‌بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده بودند و جایگاه اجتماعی آنان بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته بود. البته اهل‌بیت علیهم‌السلام از ابتدا دارای مقام الهی بودند، اما پس از واقعه عاشورا، اقبال عمومی به آنان نیز افزایش یافت.

**گسترش معارف دینی از مسیر دعاهای امام سجاد علیه‌السلام**

این مرجع تقلید با اشاره به یکی از فعالیت‌های مهم امام سجاد علیه‌السلام اظهار داشتند: یکی از فعالیت‌های مهم ایشان، مجموعه دعاهایی بود که تنظیم می‌کردند و در اختیار شاگردان خود قرار می‌دادند. امام این دعاها را به شاگردانشان آموزش می‌دادند و این معارف از طریق آنان در جامعه گسترش می‌یافت و بر مردم تأثیر می‌گذاشت. البته امام از همین مسیر می‌توانستند به حقایق و واقعیت‌های موردنظر خود نیز بپردازند و معارف دینی را در جامعه گسترش دهند.

**پیوند ایمان و عمل صالح در قرآن کریم**

این مرجع تقلید با اشاره به تأکید قرآن کریم بر همراهی ایمان و عمل صالح گفتند: قرآن کریم بر پیوند ایمان و عمل صالح تأکید می‌کند و در آیات متعددی، این دو را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد: ﴿اِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾. بر اساس این تعبیر قرآنی، ایمان و عمل صالح در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند. ایمان، مرتبه‌ای ابتدایی دارد و عمل صالح باید به آن ضمیمه شود تا انسان بتواند در مسیر رشد و کمال حرکت کند.

ایشان با مطرح کردن این پرسش که آیا همین مقدار کافی است؟ آیا اگر انسان به خداوند، پیامبر و معاد اقرار داشته باشد و به دستورات دین نیز عمل کند، به بالاترین درجه ایمان رسیده است؟ گفتند: پاسخ این است که ایمان مراتب دیگری نیز دارد و انسان می‌تواند در مسیر شناخت و یقین، به درجات بالاتری دست پیدا کند.

**سه مرتبه یقین؛ علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین**

حضرت آیت‌الله سبحانی برای تبیین مراتب بالاتر ایمان، به آیات سوره تکاثر اشاره کردند و گفتند: برای شناخت مراتب بالاتر ایمان، می‌توان به سوره تکاثر مراجعه کرد. خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ.﴾ این آیات به علم‌الیقین اشاره می‌کنند و نشان می‌دهند که یقین نیز دارای مراتب است. بنابراین، ایمان تنها در حد اقرار زبانی یا حتی شناخت و عمل ظاهری باقی نمی‌ماند؛ بلکه انسان باید در مسیر رسیدن به یقین و معرفت عمیق‌تر حرکت کند.

ایشان ادامه دادند: کامل‌ترین مرتبه ایمان، مرتبه‌ای است که انسان به درجه‌ای از یقین برسد که حقیقت عذاب و دوزخ برزخی را در همین جهان مشاهده کند؛ البته مقصود، مشاهده دوزخ آخرت نیست، بلکه مشاهده دوزخ برزخی است. در نتیجه، درخواست امام سجاد علیه‌السلام مبنی بر رساندن ایمان به کامل‌ترین مرتبه، به این معناست که انسان باید در مسیر تکامل ایمان حرکت کند و از مراتب ابتدایی شناخت و اقرار، به درجات بالاتر معرفت، یقین و عمل برسد.

**درخواست برترین مرتبه یقین در دعای مکارم‌الاخلاق**

حضرت آیت‌الله سبحانی با بازگشت به فرازهای دعای مکارم‌الاخلاق بیان کردند: امام سجاد علیه‌السلام در دعای مکارم‌الاخلاق می‌فرمایند: «وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ.» در این عبارت، امام تنها به درخواست افزایش ایمان اکتفا نمی‌کنند، بلکه از خداوند می‌خواهند که یقین ایشان نیز به برترین مرتبه برسد.

ایشان تصریح کردند: انسان باید در مسیر ایمان و عمل، به مرتبه‌ای از قداست، تقوا و تهجد دست پیدا کند که پرده‌ها از برابر دیدگان او کنار بروند و حقایقی را درک کند که برای دیگران پوشیده است؛ تا آنجا که بتواند از همین جهان، حقایقی درباره دوزخ برزخی را مشاهده کند.

**تهذیب نفس و چشم‌پوشی از لذت‌ها؛ زمینه‌ساز ارتقای ایمان**

این مرجع تقلید با تأکید بر دشواری رسیدن به مراتب بالای یقین اظهار داشتند: در اینجا باید توجه داشت که رسیدن به چنین مرتبه‌ای آسان نیست. این مقام به تهذیب نفس، تهجد، تحمل دشواری‌ها، محرومیت‌های اختیاری و چشم‌پوشی از برخی لذت‌ها نیاز دارد. انسان باید از برخی خواسته‌های نفسانی خود صرف‌نظر کند تا زمینه رسیدن به مراتب بالاتر ایمان و یقین برای او فراهم شود؛ بنابراین، باید از خداوند بخواهیم که چنین ایمان و یقینی به ما عطا کند؛ ایمانی که صرفاً در حد ادعا و اقرار باقی نماند، بلکه در عمق جان انسان نفوذ کند و در رفتار و زندگی او اثر بگذارد.

حضرت آیت‌الله سبحانی با اشاره به کلام «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» از امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره ویژگی‌های متقین، اظهار داشتند: عظمت خداوند در جان و روح آنان چنان جایگاهی پیدا می‌کند که امور دنیوی و مظاهر قدرت و ثروت، در برابر عظمت الهی ارزش و جلوه پیشین خود را از دست می‌دهند. در واقع، انسان متقی کسی است که خداوند در نظرش بزرگ است و غیر خدا در نگاه او کوچک جلوه می‌کند.

**ایستادگی در برابر تهدید دشمن؛ جلوه‌ای از عظمت الهی**

این مرجع تقلید در ادامه، به حکایتی از دوران حکومت مروانیان اشاره کردند و گفتند: در دوران حکومت مروانیان، زیاد بن ابیه در کوفه حضور داشت و یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه‌السلام را برای کشتن احضار کرد. هنگامی که آن شخص را نزد خود فراخواند، آن مرد گفت که مولایم به من خبر داده است که تو مرا به این شکل به قتل خواهی رساند؛ دست‌وپایم را قطع خواهی کرد و مرا به دار خواهی آویخت. زیاد بن ابیه نیز در پاسخ گفت که اتفاقاً همه این کارها را انجام خواهد داد. نکته قابل توجه این حکایت آن است که آن مرد، حتی در برابر دشمن خود، از آینده‌ای که در انتظارش بود سخن می‌گفت و آنچه را از مولای خود شنیده بود، بیان می‌کرد.

ایشان افزودند: این نمونه را می‌توان در چارچوب بحث عظمت خداوند در جان متقین بررسی کرد، زیرا کسی که خداوند در نظرش بزرگ است، در برابر تهدیدهای دنیوی و قدرت ظاهری دشمنان دچار ترس و تزلزل نمی‌شود.

**بصیرت باطنی و پرهیز از تصرف در مال دیگران**

حضرت آیت‌الله سبحانی به حکایتی درباره مرحوم آیت‌الله حائری رحمه‌الله اشاره کردند و اظهار داشتند: نقل شده است که ایشان به باغی رفته بودند. چشم‌شان به انگورهای باغ افتاد و به خوردن انگور تمایل پیدا کردند. شخصی که متوجه این موضوع شده بود، از دیوار همسایه عبور کرد، مقداری انگور چید و آن را در برابر ایشان قرار داد، اما مرحوم آیت‌الله حائری حتی یک دانه از آن انگورها نخوردند. علت این رفتار چه بود؟ در این حکایت، علت را برخورداری ایشان از یقین و بصیرت باطنی دانسته‌اند؛ به این معنا که متوجه شدند انگورها متعلق به شخص دیگری است و برداشتن و خوردن آن‌ها بدون اجازه صاحب باغ جایز نیست. در نگاه ما، آنچه دیده می‌شود صرفاً چند خوشه انگور است، اما او به باطن و حقیقت آن توجه دارد.

**ضرورت حرکت مستمر از ایمان ابتدایی به مراتب بالاتر یقین**

ایشان در جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده در این درس اخلاق بیان کردند: بنابراین، باید از خداوند بخواهیم همان‌گونه که امام سجاد علیه‌السلام در دعای مکارم‌الاخلاق درخواست می‌کنند، ایمان ما را نیز به کامل‌ترین مرتبه برساند و یقین ما را به برترین درجه یقین ارتقا دهد. امام سجاد علیه‌السلام با این دعا به ما می‌آموزند که انسان نباید به مرتبه‌ای از ایمان که در آن قرار دارد، بسنده کند؛ بلکه باید همواره در مسیر رشد، معرفت، تقوا و یقین حرکت کند.

**عطریار**

**آتش هجران**

غلامرضا سازگار

سوختم ز آتش هجران تو ای یار بیا
تا نکشته است مرا طعنه اغیار بیا
من همه عمر تو را جستم و نایافته‌ام
تو عنایت کن و یک لحظه به دیدار بیا
من که از کوی طبیبم نگرفتم خبری
تو که دانی چه گذشته است به بیمار بیا
جان به‌تنگ آمده بس در قفس کهنه به تن
بهر آزادی این مرغ گرفتار بیا
همه جا گشتم و دستم به وصالت نرسید
تو بنه پای به چشم من و یک بار بیا
یوسف فاطمه عالم همه مشتاق تواند
رخ برافروز دمی بر سر بازار بیا
با وجودی که همه مست تماشای تواند
لحظه‌ای را به تماشای من زار بیا
چه شود جلوه دهی خانه تاریک مرا
روز من شب شده اینک به شب تار بیا
خواب را راه ندادم به حرمخانه چشم
ز انتظارم مکش ای دولت بیدار بیا
در فراقت نه همین سوختم از اول عمر
تا دم مرگ همین است مرا کار بیا
سخن آخر میثم سخن اول اوست
سوختم ز آتش هجران تو ای یار بیا

**یادداشت**



**ادبِ سؤال**

استاد جواد محدثی

همچنان که پاسخ‌دادن به سؤال، ادب و آدابی دارد، پرسیدن هم خالی از آداب نیست.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «سل تفقهاً ولا تسئل تعنتاً، فان الجاهل المتعلم شبیهٌ بالعالم وانّ العالم المتعسّف شبیهٌ بالجاهل» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۰) برای فهمیدن و آموختن بپرس، نه به قصد به زحمت‌انداختن دیگری؛ چراکه جاهلی که می‌خواهد بیاموزد، همچون داناست و دانایی که با برتری‌طلبی قدم در بیراهه می‌گذارد، شبیه جاهل است.

این سخن را حضرت امیر علیه‌السلام در پاسخ کسی فرمود که از آن‌حضرت مسئله دشواری را پرسید، نه به‌قصد یادگرفتن؛ بلکه به‌قصد آزمودن امام که آیا جواب را می‌داند یا نه؟

کلام مولا «ادب و آداب پرسیدن» را یاد می‌دهد.

گاهی برخی دچار غرور علمی می‌شوند و برای اینکه دانش خود را به رخ دیگران بکشند، از آنان سؤال می‌کنند. قصدشان این است که اگر پاسخ را بگویند، سطح فکر و دانش سؤال‌کننده مشخص شود و اگر از جواب‌دادن درمانند، جهل پاسخ‌دهنده روشن گردد و تحقیر شود.

در هر دو صورت این‌گونه سؤال‌کردن، به‌قصد فهمیدن و آموختن نیست و انگیزه جهل‌زدایی از خوش ندارد؛ بلکه به زحمت‌انداختن طرف و فراهم‌ساختن زمینه ملامت، نکوهش و خوارگشتن او در کار است و چنین کاری نه در شأن خردمند است و نه برخوردی درست با طرف مقابل.

حضرت امیر علیه‌السلام او را به جاهلان تشبیه می‌کند؛ چون که کارش جاهلانه است؛ اما آنکه از روی تفقّه و رسیدن به درک عمیق می‌پرسد و سؤالش با انگیزه شبهه‌زدایی از خویش و کاستن از بار جهل خود است، او چون در مسیر دانایی گام می‌زند، همچون داناست.

در گذشته و گاهی کسانی در روستاهایی بودند که پای منبرها، چیزهایی از مسائل تاریخی یا احکام شرعی آموخته بودند و گاهی طلبه تازه‌وارد به آنجا را با طرح سؤالاتی معمّاگونه، به دام می‌انداختند. هم می‌خواستند فضل‌فروشی کنند و هم اگر حسد داشتند، می‌خواستند او رابشکنند.

اکنون هم گاهی چنین سؤال‌کنندگان و چنین سؤال‌هایی دیده می‌شود.

این دور از ادب سؤال است.

حدیث یادشده را امام حسین علیه‌السلام همچنین نقل فرموده است که مردی شامی خدمت حضرت علی علیه‌السلام رسید و گفت: یا علی، چند سؤال دارم که می‌خواهم بپرسم (و قصد او فهم و یادگیری نبود؛ بلکه شاید بتواند امام را بشکند). حضرت فرمودند: از روی تفقّه بپرس، نه با انگیزه تعنّت!

و ... چنین پرسیدنی، یا به غرور سائل می‌انجامد، یا به تحقیر فرد مورد سؤال و هیچ‌کدام زیبنده نیست؛ چراکه پرسیدن، کلید فهمیدن است و چنین سؤالی هیچ قفل بسته‌ای را نمی‌گشاید!

استاد حوزه علمیه قم

# پاسخ به نیازهای تمدنی و نظام‌ساز جامعه مهمترین مأموریت حوزه و روحانیت است

استاد حسینی گرگانی بر پاسخگویی به نیازهای تمدنی و نظام‌ساز جامعه اسلامی تأکید کرد و گفت: رسالت حوزه‌های علمیه، پرورش نسلی است که با رفتار و گفتارشان مظهر و اثرگذار در اخلاق و اعتقادات مردم باشند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، استاد میرتقی حسینی گرگانی در جمع طلاب و اساتید مدرسه علمیه امام رضا علیه‌السلام تهران، با بیان مطالبی در حوزه معرفتی و اخلاقی، و با استناد به روایات در خصوص جایگاه علم در اسلام، گفت: آیه «إِنَّکَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» دلالت می‌کند که رسالت حوزه‌های علمیه، پرورش نسلی است که با رفتار و گفتارشان مظهر و اثرگذار در اخلاق و اعتقادات مردم باشند.

استاد دروس خارج حوزه علمیه قم ادامه داد: حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها نباید نسبت به تحولات جامعه و آینده‌نگری برای نسل جوان بی‌تفاوت باشند. عالِمی موفق است که با تحمل سختی‌ها و مجاهدت علمی، اهداف کلان دین را در جامعه پیاده‌سازی کند.

وی به اهمیت مباحث تخصصی و تفاوت‌های مکاتب فقهی و اصولی اشاره کرد و با بیان دیدگاه و نظرات بزرگانی همچون سیدمرتضی، شیخ طوسی و علامه حلی رضوان‌الله‌علیهم، بر ضرورت تقویت بنیه علمی، تعامل و تقارن علمی و مقایسه روشمند میان آرای مختلف به‌عنوان راهکاری برای غنای بیشتر اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای تمدنی و نظام‌ساز جامعه اسلامی تأکید و بیان کرد: کتاب «نبراس الأذهان فی اصول الفقه المقارن» برای پژوهشگرانی که قصد دارند، در مسیر تحول علمی و فقهی گام بردارند قابل استفاده و راهنماست و در آن، به بررسی اصول فقه به‌شکل مقارن با ۶ مذهب پرداخته شده است. این کتاب در پنج جلد تدوین شده است و ذهن پژوهشگران را برای مواجهه با مباحث فقهی و اصولی آماده می‌سازد.

استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه علم اصول ابزار استدلال برای فهم درست احکام شریعت است و همانند علم منطق، روش صحیح استنباط را می‌آموزد، افزود: فقه و اصول مقارن، به‌معنای جمع‌آوری آرای مختلف، مقایسه اقوال و ترجیح ادله قوی‌تر بر اساس معیارهای علمی است که از این راه، ظرفیت مکاتب گوناگون



اسلامی در خدمت به منطق فهم دین و پاسخگویی به چالش‌های عصر جدید و نظام‌سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه آشنایی با آراء و ادلّه سایر مکاتب، سبب توسعه افق‌های فکری طلاب و رشد روحیه و بنیه علمی پژوهشگران در مواجهه با چالش‌های جهان اسلام می‌شود، بیان کرد: توسعه این روش، علاوه بر اینکه مانع بروز تعصبات ناروا می‌گردد، موجب تقویت افکار و آشنایی با آراء و ادله سایر مکاتب و ابزار کارآمدتری برای استنباط جامع می‌شود و به مجتهد این امکان را می‌دهد که پاسخگویی به نیازهای نظام‌ساز دین را در اختیار جامعه قرار دهد.